

## مرحله نوین بازی بزرگ: نگاهی به مذاکرات صلح نامنهاد امریکا با طالبان

نگارنده: فاتح سامع  
هفتم مارس ۲۰۲۰

مردم افغانستان از نحوه امضای به اصطلاح توافقنامه صلح نامنهاد توسط دو افغان دست نشانده و قبیله گرا هر یک ملا عبدالغنی برادر، معاون سرکرده گروه دهشت افگن طالبان، و زلمی خلیلزاد، سر هیئت مذاکره کنندگان امریکا، متحیر شدند. در اصل انتظار می رفت این چنین یک توافقنامه می بایست توسط وزیر خارجه امریکا و نماینده حکومت پاکستان امضا می شد، چون پاکستان حامی اصلی طالبان است.

از قراین بر می آید که ادامه ی بحث و گفت و گو پیرامون صلح پایدار در افغانستان بازی پیچیده ای است که از زمان آغاز اشغال این کشور تا کنون در حدود دو دهه، با نیرنگ های گوناگون شکل گرفته و اجرا شده است. بنابر آن، اصطلاح دیرینه و کهنه ی معروف به "بازی بزرگ" در افغانستان، دیگر نمی تواند در پشت پرده های ستبر و ابرهای تیره، مبهم و پوشیده بماند. از نگاه تحلیلگران سیاسی آگاه، امروز حتی یک فرد عادی و غیر سیاسی متوجه می شود که امریکا برای تحقق و تعمیل برنامه راهبردی دراز مدت خویش به منظور دستیابی به مواد ذخایر هنگفت و دست نخورده افغانستان؛ مدیریت کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر از طریق نصب و حمایت یک رژیم مزدور و دست نشانده، حتی با سفاکترین جنایتکاران حرفوی قرن هم کنار می آید. اما امریکا با امضای توافقنامه صلح نامنهادش با طالبان در حقیقت از واگذاری سرنوشت افغانستان به دست پاکستان دریغ نمی ورزد. امریکا همواره در موارد حل و فصل موضوعات متنازع فیه میان کشور ها، در بعد داخلی و خارجی، برخورد سلیقوی و سیاست دوگانه اتخاذ کرده است. چنانچه با استناد و شواهد در بسا موارد در طول دو دهه اشغال افغانستان آشکار است که امریکا با وجود روند نابودسازی تدریجی حیات سیاسی و محو این کشور از جغرافیایی جهان، سیاست دوگانه را بر مبنای منافع ملی و فرامرزی خویش در پیش گرفته و ایفا کرده است. مذاکره با گروه دهشت افگن طالبان و نصب رژیم نامشروع موجود در کابل سیاست واقعی امریکا را برای مردم افغانستان، منطقه و جهانیان آشکار کرده است. امریکا با این بازی های مضحک مردم افغانستان را از حق تعیین سرنوشت شان محروم

ساخته است. این سیاست دیگر قابل تحمل و پذیرش ملی گرایان افغانستان نیست، و در نهایت به یک قیام سراسری علیه نیروهای اشغالگر، رژیم دست نشانده کاخ سپید در کابل و همه گروه های دهشت افکن منجر خواهد شد.

امریکا نمی تواند اشرف غنی را به عنوان رییس جمهور نامشروع از طریق تقلب با ادامه اشغال و حضور نظامی به مردم افغانستان زیر نام نهادینه سازی فرهنگ مردم سالاری و انتخابات تحمیل کند. این انتخابات ریاست جمهوری پر از جعل از پنج در صد کل جمعیت افغانستان نمایندگی نمی کند. بارها تحلیلگران سیاسی از بازی های اشغالگران امریکایی و متحدینش به طور دقیق پرده برداشتند و در جریان چهار دهه ی گذشته بارها علل نتیجه وضعیت فعلی افغانستان را به تصویر کشیده اند. اگر چه دیدگاه های تحلیلگران به راحتی تا هنوز مورد توجه صادقانه همه سیاسیون و خبرگان افغانستان قرار نگرفته است، با وجودی آن نظرات ارایه شده بیانگر دسایس پیدا و پنهان در پشت همه بحران ها و خشونت های مهندسی شده ی کنونی است.

مذاکرات صلح نام نهاد مقامات اشغالگر امریکا با طالبان چیزی به جز مرحله ی جدید بازی بزرگ امریکا و متحدینش برای گسترش سلطه و دوام اشغال افغانستان چیزی بیش نیست که زیر تبلیغات میان تهی شکل می گیرد.

توافقنامه صلح نام نهاد امریکا و "امارات اسلامی افغانستان" که هنوز توسط امریکا به رسمیت شناخته نشده، و به نام طالبان یاد می شود در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ در دوحه مرکز قطر منعقد شد. در این نقد مختصر آن سند ننگین به موارد زیر اشاره می شود:

## "الف:

۱- امریکا و متحدینش تعداد نیروهای شان را در افغانستان در مدت ۱۳۵ روز به ۸۶۰۰ نفر کاهش می دهند و به طور متناسب تعداد نیروهای متحدین و ائتلافیون خود را نیز کاهش داده می شود.

رییس جمهور ترامپ به تاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹ در آخرین سفر خویش در بگرام اظهار داشت که خروج و کاهش سربازان امریکایی از افغانستان با فناوری پیشرفته نظامی و شبکه گسترده جاسوسی پوشش می یابد. همچنان ترامپ افزود که پیام ما به دهشت افکنان خون آشام واضح است: "شما نمی توانید از سرنوشت فلاک بار خود فرار کنید زیرا که قدرت نظامی شگفت انگیز امریکا

در همه جا می تواند دسترسی داشته باشد و غیر قابل توقف است. ما دارای بزرگترین نیروی نظامی در جهان هستیم."

اما دولت آمریکا هرگز نگران این نیست که به چه تعداد از مردم افغانستان در جنگ های تحمیلی بیگانگان روزانه کشته می شوند و مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و از لحاظ جسمی و روحی معلول می گردند.

در توافقنامه آمده که:

"۲- آمریکا، متحدین و مؤتلفینش همه نیروهای خود را از پنج پایگاه نظامی افغانستان بیرون می کشند."

نام پنج پایگاه نظامی آمریکا در افغانستان به دلایلی نامعلوم مشخص نشده است.

ب:

(۱) "امریکا، متحدین و ائتلافیونش کلیه نیروهای باقی مانده خویش را طی نه و نیم ماه دیگر از افغانستان خارج می سازند.

(۲) امریکا، متحدین و ائتلافیونش تمام نیروهای خود را از پایگاه های باقی مانده خارج می کنند."

این که منظور از بیرون شدن نیروهای اشغالگر از کدام پایگاه های باقی مانده مورد نظر است معلومات مزید ارایه نشده و مبهم به نظر می رسد.

پس از عقب نشینی کامل نیروهای اشغالگر، هیچ پایگاه نظامی آمریکا در افغانستان وجود نخواهد داشت. این توافقنامه صلح زمینه را برای سلطه و سیطره طالبان بالای افغانستان هموار می سازد. علاوه بر آن، متن توافقنامه آشکار می سازد که مقامات آمریکا، در حال باز گشایی مسیری برای شمولیت طالبان در "اداره افغانستان" پس از خروج کامل نیروهای اشغالگر می باشند. این سیاست اغواگرایانه بیانگر آن است که دولت امریکا حاکمیت کامل افغانستان را به طالبان تسلیم می کند. اما مردم افغانستان در حال حاضر می گویند: چرا امریکا و شرکایش در طی دو دهه اخیر زیر نام برنامه های ملت سازی، مردم سالاری، بازسازی، تامین حقوق بشر، حمایت از جامعه مدنی و مبارزه علیه دهشت افگنی در کشور شان حضور داشت و اکنون می خواهند زمام رهبری و حاکمیت نظام و سرنوشت شان را به طالبان واگذارند؟

پرسش اصلی که هر شهروند افغانستان می پرسد این است که به چه حق مقامات اشغالگر امریکا سرنوشت ما را پس از تحمل دو دهه رنج ها، خسارات مالی، تلفات انسانی و آوارگی های ما به طالبان می سپارد؟

"ج. امریکا متعهد است که با هماهنگی و تأیید همه طرف های ذیربط، فوراً در مورد طرحی برای آزاد سازی سریع زندانیان جنگی و سیاسی به عنوان گام نخست به سوی اعتماد سازی اقدام کند. حداکثر ۵۰۰۰ زندانی طالبان و ۱۰۰۰ نفر از طرف های دیگر تا ۱۰ مارچ ۲۰۲۰ از زندان ها آزاد سازند، اما مشروط به آن که تهدیدی از خاک افغانستان برای امنیت امریکا و متحدینش نباشد."

منظور از طرف های مربوط در این توافقنامه کدام جناح ها است؟

منظور از طرف های ذیربط باید مردم افغانستان باشند که در عملیات های دهشت افگنی و انتحاری طالبان قربانی شده اند. تلفات نیروهای اشغالگر در مقایسه با ارتش افغانستان و غیرنظامیان این کشور ناچیز است.

این توافق همچنین مشعر است که مقامات اشغالگر امریکا فقط نگران منافع بلند مدت خویش در افغانستان و مناطق اطراف آن هستند، بدون آن که کوچکترین نگرانی از آینده افغانستان و مردم آن در این توافقنامه ابراز شده باشد.

"د. با شروع مذاکرات بین الافغانی، امریکای طی بازنگری اداری، تحریم های فعلی علیه طالبان را به منظور رفع و از بین بردن این تحریم ها تا ۲۷ حوت سال ۲۰۲۰ مطابق با ۶ سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی آغاز خواهد کرد."

در این ماده توافقنامه منظور از نمایندگان داخل افغانستان برای مذاکرات بین الافغانی مشخص نیست. آیا هیئت نمایندگان داخل افغانستان عبارتند از نمایندگان رژیم نامشروع و دست نشانده امریکا در کابل یا سایر گروه های مخالف و نمایندگان واقعی مردم افغانستان یا ترکیبی از همه؟

کاربرد این عباره نامشخص، یعنی "نمایندگان داخل افغانستان"، فرصتی را برای طرفداران غنی فراهم کرده است تا از آن اصطلاح تعبیر نادرست کنند و با تفسیر من درآوردی خود و تعیین هیئت نمایندگان داخل افغانستان، مدیریت روند مذاکرات را در اختیار خود داشته باشند تا مخالفان خود را از شرکت در این مذاکرات با طالبان محروم سازند. این جمله نامشخص در این بند توافقنامه نام نهاد صلح، فرصتی را برای جناح اشرف غنی فراهم کرده است تا از وضعیت پیش آمده به نفع خود سوءاستفاده کند که بی شک به مرحله جدیدی از درگیری ها و ویرانگری ها در افغانستان منجر خواهد شد.

"ه. با آغاز مذاکرات بین الافغانی، امریکا تعامل سیاسی را با سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل و افغانستان آغاز خواهد کرد تا نام طالبان را از فهرست تحریم ها با هدف دستیابی به این صلح تا ۲۹ می ۲۰۲۰ حذف کند."

آیا منظور در این ماده توافقنامه از "هدف" و "درون افغانستان" چیست؟

آیا منظور از "درون افغانستان" همانا "طالبان" یا "نمایندگان مردم افغانستان" یا "جناح های مخالف دهشت افگنان و اشغالگران" یا "رژیم فعلی نامشروعی تحت الحمایه اشغالگران کشور" است؟

آیا منظور از "افغانستان" چیست؟

آیا نمایندگان واقعی مردم افغانستان کی ها اند که در این مذاکرات به اصطلاح صلح غایب هستند؟ اما این نکته آشکار نیست که آیا منظور از گروه های مخالف همان رژیم نامشروع به رهبری اشرف غنی یا نمایندگان هر سه طرف (مردم افغانستان، طالبان و رژیم موجود در کابل) است؟

در حال حاضر، افغانستان دارای یک دولت مستقل قانونی نیست تا از تمامیت ارضی، حقوق شهروندی مردم، حاکمیت ملی و منافع کشور نمایندگی بتواند. به همین دلیل است که کاربرد اسم افغانستان در توافقنامه صلح ارتباط به تفسیر و دستکاری رژیم فعلی دست نشانده واشنگتن در کابل دارد.

همچنان در ماده چهارم توافقنامه بین امریکا و طالبان چنین ذکر شده است:

"امارت اسلامی افغانستان که از طرف امریکا به رسمیت شناخته نشده و به عنوان طالبان شناخته می شود، موظف است طبق قانون مهاجرت بین المللی و تعهدات این توافقنامه افرادی را که درخواست پناهندگی یا اقامت از افغانستان می کنند اجازه اقامت ندهند تا این افراد تهدیدی را برای امنیت امریکا و متحدین آن متوجه نسازند."

این مورد به معنای شناختن طالبان به عنوان یک دولت مشروع است. موضوع رسیدگی به درخواست پناهندگی در این توافقنامه نشان می دهد که امریکا در خفا طالبان را به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت شناخته است.

اجرای قانون بین المللی مهاجرت در سطح دولتها وظیفه یک کشور مستقل است که سازمان ملل متحد آن را به رسمیت شناخته باشد، اما نه وظیفه، مسؤولیت و تعهد یک گروه دهشت افگن مانند طالبان که خود را "امارت اسلامی افغانستان" می نامند! با این حال، در این توافقنامه بارها و بارها تکرار شده که امریکا "امارات اسلامی افغانستان" را به رسمیت نمی شناسد، اما بر خلاف این ادعای امریکا، در این توافقنامه آمده است:

"امارت اسلامی افغانستان که توسط امریکا به رسمیت شناخته نشده و به عنوان طالبان شناخته می شود، طبق قانون مهاجرت بین المللی و تعهدات مربوط به این

امر متعهد است که با افرادی که پناهندگی یا اقامت در افغانستان می خواهند مقابله کند تا چنین افرادی تهدیدی برای امنیت امریکا و متحدین آن نباشند." به نظر می رسد که در پشت صحنه، امریکا قبلاً طالبان را به عنوان دولت آینده قانونی افغانستان به رسمیت شناخته است.

در ماده پنجم توافقنامه صلح نام نهاد بین امریکا و طالبان ذکر شده است: "امارت اسلامی افغانستان که توسط امریکا به عنوان یک کشور به رسمیت شناخته نشده و به عنوان طالبان شناخته می شود، روادید (ویزا)، گذرنامه یا مجوز سفر یا سایر اسناد قانونی را برای کسانی که تهدیدی برای آن ها محسوب شود، صادر نمی کنند."

در این مورد هم به طور غیر مستقیم طالبان به عنوان یک کشور مستقل امارت اسلامی افغانستان شناخته شده است. در غیر این صورت، چگونه یک گروه دهشت افکن معروف به طالبان می تواند روادید، گذرنامه و ... صادر کند. این ماده توافقنامه به وضوح نشان می دهد که مقامات اشغالگر امریکا طالبان را به عنوان یک دولت مشروع در افغانستان تحمیل می کنند و راه را برای بازگشت آن ها به قدرت باز می نمایند تا از این طریق حاکمیت ملی مردم افغانستان را تضعیف کنند.

در قسمت سوم توافقنامه صلح نام نهاد امریکا با طالبان می خوانیم: "۱. امریکا خواهان تشخیص و تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد برای این توافقنامه خواهد بود."

از متن این ماده آشکار است که مشروعیت حاکمیت طالبان بالای افغانستان توسط شورای امنیت سازمان ملل رسماً به رسمیت شناخته می شود. سپس طالبان می توانند نمایندگان خود را به سازمان ملل بفرستند و حق انتصاب سفیران خود را به خارج از افغانستان اعلام کنند. کاملاً شایع است که امریکا سعی دارد از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد طالبان را به عنوان دولت شایسته افغانستان مشروعیت بخشد.

در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل آمده است:

"هیچ چیز در این منشور نمی تواند حق ذاتی دفاع شخصی یا جمعی را در صورت حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد مختل کند، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی انجام دهد. اقدامات انجام شده توسط اعضا در استفاده از این حق دفاع شخصی فوراً به

شورای امنیت گزارش می‌شود و به هیچ وجه بر صلاحیت و مسئولیت شورای امنیت تحت منشور حاضر تأثیر نمی‌گذارد تا در هر زمان اقداماتی مانند آن انجام دهد."

اگر افغانستان به عنوان عضو مشروع سازمان ملل متحد شناخته شده است، پس چرا آمریکا در امور داخلی این کشور دخالت می‌کند و سعی می‌نماید تا حاکمیت طالبان را بالای مردم افغانستان تحمیل کند؟

پس از حملات ۱۱ سپتامبر شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس ماده ۵۱ منشور آن سازمان حق اشغال افغانستان را زیر نام مبارزه با دهشت افگنی بین المللی برای دولت آمریکا تعیین و تصویب کرد. اما از متن ماده مذکور آشکار است که آمریکا به هیچوجه حق تعیین سرنوشت کشور و ملت این سرزمین را نداشته و ندارد.

همچنین قابل یاددهانی است که سازمان ملل متحد بارها گزارش داده که طالبان در افغانستان مرتکب جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل کشی و پاک سازی قومی شده اند. همچنان بر اساس گزارش های سازمان عفو بین الملل، طالبان با سنگسار کردن زنان، تخریب زیرساخت های اقتصادی از جمله ساختمان های عمومی، پایه های برق، مدارس، بانک ها، شفاخانه ها، مساجد، جعفریه ها، تکایا، عبادتگاه ها و ... مرتکب جنایت علیه بشریت شده اند. طالبان شهروندان غیرنظامی افغانستان به شمول زنان و کودکان را از طریق حملات انتحاری، راهگیری ها، حمله به کاروان های مسافری، آدم ربایی و ضرب و شتم کشته اند. پس چگونه آمریکا و شرکایش و شورای امنیت سازمان ملل متحد جرئت می کنند که زمینه را برای شناخت این گروه دهشت افگن هموار سازند، در حالی که تمام ملت افغانستان از امضای این توافقنامه صلح بین آمریکا و طالبان ناراض هستند؟

پیامد توافقنامه به اصطلاح صلح آمریکا با طالبان برای مردم و کشور افغانستان چیست؟

در ادامه توافقنامه صلح نام نهاد آمریکا با طالبان آمده است:

"۲. آمریکا و طالبان در پی ایجاد روابط مثبت با یکدیگر هستند و انتظار دارند روابط دولت اسلامی جدید افغانستان که پس از مذاکرات بین‌الافغانی ایجاد خواهد شد، با آمریکا مثبت باشد.

۳. آمریکا کوشش می‌کند برای بازسازی افغانستان با دولت جدید افغانستان همکاری اقتصادی داشته باشد و در امور کاری آن دخالت نکند." براساس این دو ماده، یک حکومت انتقالی در افغانستان تأسیس خواهد شد که در آن فقط یک گروه قومی به طور عمده حضور و نفوذ خواهد داشت. این امر مورد پذیرش اکثریت شهروندان افغانستان نیست و بدون شک مرحله نوبینی از جنگ های آزادیخواهانه در کشور آغاز می شود. بنابراین، این توافقنامه تضمین کننده صلح و امنیت در افغانستان نیست. توافقنامه به اصطلاح صلح و مذاکرات بین الافغانی تحت مدیریت امریکا بین رقبای درون قبیله ای با حفظ منافع قومی و علایق زبانی صورت می گیرد. این سیاست راهبردی امریکا بر مبنای پیشنهاد پاکستان و آی اس آی در تلاش برای سلب حقوق اکثریت جمعیت افغانستان شکل گرفته است. این توطئه موجب می شود تا مردم افغانستان برای کسب استقلال ملی و سیاسی کشور خویش علیه اشغالگران، رژیم دست نشانده کاخ سپید در کابل و در برابر همه گروه های دهشت افکن به رهبری یک رهبر جدید قیام ملی کنند.

همچنین در توافقنامه به اصطلاح صلح بین امریکا و طالبان در مقایسه با اعلامیه رژیم کابل در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ با حضور وزیر دفاع امریکا و نماینده ناتو به زبان دری، نکات متناقض شناسایی شده است. عباراتی که امریکا در توافقنامه مذکور به کار برده و عباراتی که در نسخه دری از رژیم دست نشانده واشنگتن در کابل به نشر رسیده، کاملاً در تناقض قرار دارند. در توافقنامه صلح بین امریکا و طالبان، نام رژیم فعلی در کابل ذکر نشده است. به عنوان مثال در بخشی ج ماده سوم آمده است که :

"از امارت اسلامی افغانستان که توسط امریکا به رسمیت شناخته نمی شوند و به عنوان طالبان معروف هستند تا دهم مارچ به تعداد پنج هزار زندانی (۵۰۰۰) از زندان ها آزاد می شوند و یک هزار (۱۰۰۰) زندانی از طرف دیگر با آغاز مذاکرات بین الافغانی در مقابل نیز آزاد می گردد."

در این مورد مشخص نیست که منظور از طرف مقابل کی است و از چه کسانی نمایندگی می کند و چه موقفی را دارا می باشد؟ به همین دلیل است که امروز اشرف غنی اعلام کرد که وی موظف نیست پنج هزار زندانی طالبان را آزاد کند.

از جانب دیگر طالبان دولت کابل را به رسمیت نمی شناسند و آن را دست نشانده نیروهای اشغالگر امریکایی می دانند. طالبان ادعا دارند که با وجود تحقق یافتن



همه مواد توافقنامه و تعهدات مربوط به آن توسط امریکا با اداره کابل مذاکره نخواهند کرد.

آیا طالبان موقف و آمادگی خود را برای کاهش میزان خشونت و موافقت با شرایط ذکر شده در اطلاعیه رژیم کابل نشان می دهند؟  
بدیهی است که هرگز نه!

بنابراین، به سادگی می توان نتیجه گرفت که جنگ در افغانستان ادامه خواهد یافت. داعش و سایر گروه های دهشت افکن به طور فعال در جنگ های تحمیلی آینده نقش بازی می کنند و در یک مرحله جدید با دشمنان خود در سطح افغانستان درگیر جنگ می شوند.

منظور از دخالت فعال امریکایی ها در انتخابات ریاست جمهوری اخیر، برای نصب رژیم فاسد اشرف غنی، مانند سلف وی، حامد کرزی، چیست؟  
چرا امریکا و متحدینش ملیون ها دلار را در انتخابات به اصطلاح ریاست جمهوری در افغانستان هزینه کرده اند، در حالی که ملیون ها نفر از مردم ما در فقر و گرسنگی زندگی می کنند؟

با هزینه ملیون ها دلار از جیب مالیه دهندگان امریکایی، آیا امریکا با دایر کردن انتخابات جعلی در افغانستان به جز فریب مردم این کشور و فراهم کردن شرایط برای برگشتاندن طالبان به قدرت چه علاقه، منفعت و دستاور دیگری دارد؟  
چرا امریکا در طی دو دهه گذشته از مشارکت شخصیت های مستقل ملی افغانستان در ایجاد و تاسیس یک دولت منتخب ملی ممانعت به عمل آورده است؟  
باید به این پرسش های مهم متذکره پاسخ قناعت بخش ارایه شود.

بدون تردید، در یک توطئه سازمان یافته اشخاصی مانند خلیلزاد، کرزی، غنی و سران دهشت افکن طالبان همه در یک برنامه سازماندهی شده مصروف توطئه هستند. این افراد با وابستگی قبیله ای مشترک همه در پشت صحنه متحد اند و در تلاش برای ادامه رهبری قبایل خود، مانند گذشته، در افغانستان می باشند. شواهد قابل اعتبار نشان می دهد که اکثر نخبگان قدرت طلب قبایلی افغانستان اعضا و نمایندگان فعال در جرگه ها و اماکن فراماسونری شمرده می شوند که در نقش های جداگانه اذهان اکثر مردم افغانستان را با ایجاد ترس از طریق فعالیت های دهشت افگانه و تفرقه آمیز تباری با حمایت اشغالگران به بازی گرفته اند.

وظیفه همه چهره های ملی، میهندوست و مستقل ملی و همه رهبران و نخبگان سیاسی در افغانستان است تا در برابر حاکمیت رهبران دهشت افکن قبایلی ها متحد شوند.

فاتح سامع سابق ویرایشگر (Editor) روزنامه کابل تایمز (Kabul Times Daily) و اکنون مترجمی شفایی و کتبی حرفوی و دارنده جواز ترجمه رسمی و قابل اعتبار و تصدیق شده از ناتی ( NAATI Accredited and Certified Professional Translator & Interpreter) و عضو هیئت تحریر تارنگار وزیرن آریایی ([www.ariaye.com](http://www.ariaye.com)) و گزارشگر آزاد (Freelance Journalist) و همکار بخش دری رادیو اس بی اس.